



محبت ادب

امام شناسی از منظر ثامن الائمه
علی بن موسی الرضا علیه السلام
محمد علی رضایی اصفهانی

سرشناسنامه: رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: آیین محبت/محمدعلی رضایی اصفهانی؛ تهیه و تدوین اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی.
مشخصات نشر: مشهد: نشر قدس رضوی، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری: ۶۴ص: ۱۷*۱۲ س م.
شابک: ۳-۲۳-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: امامت
موضوع: امامت ، احادیث
موضوع: امامت ، جنبه های قرآنی
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره امور فرهنگی .
رده بندی کنگره: ۳۲۲ BF/ع/۹ ۱۳۸۷
رده بندی دیوبی: ۲۹۷/۷۶
شماره کتابخانه ملی: ۱۵۱۲۴۳۵



آیین محبت

نویسنده: محمد علی رضایی اصفهانی

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرای: محمود بازدار

نوبت چاپ: چهارم-۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک: ۳-۲۳-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر ، صحن جامع رضوی

ضلع غربی اداره امور فرهنگی تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

- ۹ / مقدمه
- ۱۲ / پیشگفتار
- ۱۴ / یادآوری
- ۱۵ / اول: ضرورت و لزوم پیشوای معصوم برای مردم
- ۱۵ / نقش امامت در دین
- ۱۷ / نقش امامت در عبادت
- ۱۸ / نقش امامت در جامعه
- ۲۲ / نقش امامت در رستاخیز
- ۲۴ / دوم: جایگاه امامت در جهان شناسی و انسان شناسی اسلام
- ۲۴ / امامت جانشین و امین خدا در زمین
- ۲۵ / مقام امامت بالاتر از نبوت
- ۲۵ / مقام امام / مقام پیامبر
- ۲۶ / امام حجت الهی:
- ۲۶ / فرشتگان با امام سخن می گویند
- ۲۷ / امام از مردم به مردم سزاوارتر است
- ۲۸ / امام، معصوم از گناه و نقص
- ۲۹ / دعای امام، مستجاب است
- ۲۹ / علم امام و آگاهی از امور غیبی و آینده
- ۳۳ / امام میراث دار پیامبر ﷺ و امامان
- ۳۶ / امام تأیید شده روح القدس
- ۳۷ / امامت نور جهان افروز و آب حیات
- ۳۸ / امام رفیق مهربان و پناهگاه شماست
- ۳۹ / فضایل امام موهبتی الهی است

- ۳۹ / امام دارای شرح صدر الهامات علمی و توفیقات الهی است
- ۴۱ / سوم: شیوه شناخت و تعیین امام معصوم
- ۴۱ / تعیین امام با نصب الهی است چرا که خرد انسان‌های عادی از تعیین امام معصوم عاجز است.
- ۴۲ / علم و استجابیت دعا؛ دو راه اساسی شناخت امام
- ۴۳ / ناتوانی عموم مردم از شناخت صفات امام
- ۴۴ / چهارم: ویژگی‌های پیشوای امت
- ۴۴ / آگاهترین مردم
- ۴۴ / داورترین مردم
- ۴۵ / با تقواترین مردم
- ۴۵ / صبورترین مردم
- ۴۵ / شجاعترین مردم
- ۴۶ / بخشنده‌ترین مردم
- ۴۶ / عابدترین مردم
- ۴۶ / از پدر و مادر به مردم مهربان‌تر
- ۴۷ / فروتن‌ترین مردم نسبت به خدا
- ۴۸ / فرمانبردارترین مردم نسبت به دستورات الهی
- ۴۸ / امام نیز انسان است
- ۴۹ / امام یگانه روزگار
- ۴۹ / امام از ستمکاران نیست
- ۵۰ / امام آگاه به امور سیاسی
- ۵۱ / پنجم: امامت خاصه
- ۵۱ / با امامت «علی علیه السلام» دین تمام و کامل شد
- ۵۲ / امامت ائمه (علیهم السلام) به خاطر علم و ایمان و با نصب الهی بود

- ۵۳ / امامت فقط در آل رسول ﷺ است
- ۵۴ / امام مهدی ﷺ خواهد آمد
- ۵۵ / ششم جدایی از امامت و پیامدهای آن
- ۵۵ / هر کس از امام جدا شد، به هلاک می‌افتد
- ۵۵ / جدائی از امام موجب سرگردانی و گمراهی و گرفتاری در دام شیطان می‌شود.
- ۵۶ / پیامدهای غلو کردن در مورد امامان علیهم‌السلام
- ۵۸ / جمع بندی و نتیجه
- ۵۹ / منابع

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام گنجوران دانش اند. رودها و جویبارهای دانش که مزرعه ی جان انسان را در چهارده قرن اخیر سیراب و شاداب ساخته است، از بلندای قامت آسمانی این کوه نور، سرچشمه می گیرد. امام عالمان و عارفان علی علیه السلام فرمود: «ینحدر عنی السیل و لا یرقی الی الطیر» آبادانی و شادابی دیار علم و آگاهی؛ از تلالو فروزنده ی دانش این خاندان است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها».

دانش اهل بیت علیهم السلام از جنس دریافتنی است نه آموختنی، علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت است که آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته اند. حضرت علی علیه السلام در وصف عارفان (که خود آن حضرت مولای آنان است) فرمود: «هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و باشروا روح الیقین».

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سرسلسله ی این خاندان نور و روشنایی، هر چند که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته بود، اما پیام و رسالت او، تلاوت و خواندن، آموختن و فرا گرفتن و علم و آگاهی بود. رسالت او با «اقرء» آغاز شد و با دانش و بینش که جان های شیفته را سرشار می کرد، تداوم یافت. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه».

او با رسالت خویش، جان های مرده را از مرداب روزمرگی و ضلالت ها تا باغستان بهشتی حیات و زندگی، رهنمون شد و انسان اسیر در کژراهه ها و پرت گاه های تباهی را به شاهراه



هدایت و صراط مستقیم فرا خواند و در تن مرده‌ی آدمیت روحی دوباره دمید: «اذا دعاکم لما یحییکم» و بار گران جهل و نادانی را از دوش آنان فرو نهاد «یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی الی کانت علیهم».

و خاندان آن حضرت نیز که از چشمه‌ی حیات او سیراب بودند؛ همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را در گذرگاه اعصار فرا راه جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره‌مندی از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را تابناک و سرشار ساختند.

و امروز در عصر جاهلیت مدرن نیز، آنچه غبار راه انسان کمال جوی را فرو می‌نشانند و راه او را می‌تواند روشن کند بهره‌گیری و بازگشت به سرچشمه‌ی همان دانش و بصیرتی است که پیامبر اعظم و خاندان پاک و مطهر او علیهم‌السلام به انسان هدیه کردند و شاید امروز بیش از هر روز و روزگاری، انسان به آنچه پیامبر رحمت و آگاهی برای بشریت به ارمغان آورده نیازمند و محتاج باشد.

بی تردید کاوش در سرچشمه‌های نور اهل بیت علیهم‌السلام و بازخوانی سیره و آموزه‌های آن بزرگواران در روزگار ما- مانند همه‌ی روزگاران- خدمتی بزرگ به انسانیت است خدمتی که فراتر از آن، خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسانی که دل آنان برای انسان می‌تپد فرض است که با ژرف‌اندیشی و ژرف‌کاوی در معارف اهل بیت علیهم‌السلام گوهرهای ناب و آموزه‌های رهایی‌بخش این گنجینه‌ی عظیم و الهی را استخراج کنند و به بشر تشنه و جگر سوخته‌ی عصر حاضر ارائه نمایند.

بر حسب وظیفه در جوار بارگاه عالم آل محمد علیهم‌السلام برای



تمامی رهروان این راه و تمامی کسانی که در مسیر احیای امر اهل بیت علیهم السلام و تعلیم و تعلم معارف و علوم این خاندان مطهر تلاش و کوشش می کنند به ویژه اساتید بزرگوار و گرانمایه‌ای که در تالیف و تنظیم این مجموعه‌ی ارزشمند نقش داشته اند طلب سلامتی و بهروزی می‌کنیم و توفیق آنان را از درگاه حیّ علیم خواستاریم.

از زایران عزیز نیز می‌خواهیم نعمت بی‌ظنیر زیارت پاره‌ی تن رسول الله صلی الله علیه و آله را با بهره‌گیری از اندیشه، کلام و سیره‌ی آن امام همام به فرصتی برای تامین نیازهای معنوی و فکری خود تبدیل نمایند و با مطالعه‌ی آثار ارزشمندی مانند این مجموعه، توشه‌های سعادت و کمال را برای دنیا و آخرت خود بگیرند و خدمتگزاران خود، در این آستان مقدس را نیز از دعا فراموش نکنند.



پیشگفتار



امام، نور جهان افروز و آب حیاتی است که حیات سیاسی و اجتماعی انسان‌ها را بارور می‌کند.

شناخت امام یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمانان است. چرا که امام نور جهان افروزی است که دنیا و آخرت بشر را نورانی می‌سازد، و او را به مسیر سعادت رهنمون می‌شود. از این رو است که تأکید شده است:

«هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.»^۱

اما شناخت ویژگی‌های امامت و مصادیق آن از مشکل‌ترین مسائل است و بهترین راه در این زمینه استفاده از دلایل عقلی و نقلی است که یکی از مهم‌ترین منابع آن احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است.

در این میان سخنان امام رضا علیه‌السلام از ارزش ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که ایشان در عصری زندگی می‌کردند که بدون تقیه می‌توانستند مطالب و دلایل امامت را بیان کنند. از سویی نشست‌های علمی ایشان با دانشمندان ادیان و مذاهب مختلف، زمینه بیان این مطالب را بیشتر فراهم کرد.

نوشتاری که در پیش رو دارید، مجموعه‌ای از احادیث نقل شده از آن حضرت است که به شیوه‌ای نوین دسته بندی و با توضیح مختصری ارائه می‌گردد.

در این احادیث دلایل عقلی و نقلی در موارد زیر به چشم می‌خورد:

۱ - من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة (کمال الدین شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۰۹ و الفصول المختارة، شیخ مفید، ص ۳۲۵، الصوارم المهرقة، قاضی نور الله شوشتری، ص ۸۹، و بحار الانوار علامه مجلسی، ج ۲۲، ص ۳۳۱).



اول: ضرورت و لزوم پیشوای معصوم برای مردم
دوم: جایگاه امامت در جهان شناسی و انسان شناسی اسلام
سوم: شیوه شناخت و تعیین امام معصوم علیه السلام،
چهارم: ویژگی های پیشوای امت
پنجم: امامت خاصه (انحصار امامت در آل رسول و دلایل
امامت علی علیه السلام و اشاره ای به مهدویت).
ششم: جدایی از امامت و پیامدهای آن.^۱

یادآوری:

- ۱- در تمام این نوشتار برای اختصار و رعایت حال مخاطب از تعبیر «امام رضا علیه السلام» استفاده و القاب حضرت حذف می شود. از این رو از محضر آن حضرت پوزش می طلبیم.
- ۲- احادیث این نوشتار از منابع معتبر و اصیل همچون «عیون اخبار الرضا علیه السلام» مرحوم شیخ صدوق رحمته الله نقل شده است. در انتخاب متن احادیث تا حد امکان دقت شده ولی بررسی سندی نشده است.



۱ - نگارش این دفتر از تاریخ ۸۶/۵/۱ درصحن جامع رضوی (علی صاحب السلام) شروع شد. امید است مورد قبول حضرت حق و عنایت آن امام همام و مورد استفاده دوستداران ایشان قرار گیرد.

اول: ضرورت و لزوم پیشوای معصوم برای مردم

درآمد:

عقل هر انسان حکم می‌کند که جامعه نمی‌تواند بدون نظام و نظم و رهبر باشد، چرا که جامعه بدون پیشوا، گرفتار هرج و مرج می‌شود و امنیت از آن رخت بر می‌بندد و هدایت مردم دشوار می‌شود و اجرای احکام الهی دشوار می‌گردد؛ در نتیجه‌ی دین مردم سست می‌شود و در چنین جامعه‌ای عموم مردم زیان می‌بینند. امام رضا علیه السلام نیز بر این مطلب تأکید کرده و با بیانات مختلف آن را توضیح داده اند.



۱۵

۱- نقش امامت در دین:

الف - امامت اساس اسلام:

(ان الامامة اساس الاسلام النامی و فرعه السامی)^۱

«در حقیقت امامت و رهبری اساس تعالی اسلام و فرع عالی آن است.»

در این سخن به دو مطلب اساسی در مورد امامت اشاره شده است:

اول این که امامت از اصول اساسی اسلام و ضامن بقا و رشد آن است.

دوم این که امامت یکی از نتایج عالی تعالیم اسلام است که در مقام عمل بعد از پیدایش اسلام تحقق می‌یابد.

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۶، تحف العقول، الحسن الحرائی، ص ۴۳۶، الکافی، الكلینی، ج ۱، ص ۱۹۸، و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

ب - امامت رهبر دین:

(ان الامامة زمام الدين)^۱

«امامت پیشوایی و صاحب اختیاری دین است.»

یعنی امام، رهبری امور دینی مردم را از طرف خدا به دست می‌گیرد و براساس تعالیم الهی عقاید و اخلاق مردم را جهت دهی و احکام الهی را بیان و اجرا می‌کند.

ج - امامت سنگر دفاع از دین:^۲

(و الامام... یذب عن دین الله).

(و الذاب عن حرم الله)^۳ (الامام... حافظ الدین الله)^۴

در این سخنان بر سه نقش اساسی امامت تأکید شده است:
اول این که امام حافظ دین الهی است و با بیان، تقویت و اجرای آن، از اضمحلال دین جلوگیری می‌کند.

دوم این که در هنگام تهاجم فرهنگی به دین خدا، امامت سنگر دفاع از دین می‌شود و با سلاح منطق و برهان از دین دفاع می‌کند. همانطور که هنگام حمله نظامی امام فرمانده کل قوای مسلمانان در برابر دشمنان است. سوم این که پیشوای مسلمانان پاسدار حدود الهی است و اجازه نمی‌دهد که در جامعه اسلامی، حرمت احکام الهی، شکسته



۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، معانی الاخبار، ص ۹۶، کافی همان و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۲ - عیون، همان و کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۷۷، غیبة نعمانی، ص ۲۱۸، احتجاج ابو منصور احمد طبرسی، ج ۲، ص ۴۳۴، و بحار الانوار، همان.

۳ - ص ۲۱۹، و کمال الدین، همان، معانی الاخبار، شیخ صدوق ۹۸، و کافی همان، بحار، همان، ص ۱۲۴.

۴ - عیون، ص ۲۲۰، کمال الدین، همان، معانی الاخبار، ص ۱۰۰، کافی، ج ۱، ص ۲۰۱ و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶، و بحار همان.

و حرام خدا حلال شود.

د - امامت مایه نظام مندی دین است.

(الامام... نظام الدین)^۱

یکی از نقش‌های امامت و رهبری آن است که به تنظیم امور دینی مردم می‌پردازد؛ یعنی نظام‌سازی می‌کند و امور دینی مردم را سامان می‌بخشد و از طرفی نظام اعتقادی، اخلاقی، قضایی، سیاسی، اقتصادی و ... را براساس قرآن، سنت و عقل در هر عصر بازسازی و اجرا می‌کند تا مردم از آن بهره‌مند شوند.

۲- نقش امامت در عبادت:

الف - امامت مایه اتمام عبادت:

(بالامام تمام الصلاة و الزکاة و الصیام و الحج و الجهاد و توفیر

الفیء و الصدقات...)^۲

«به واسطه‌ی رهبری و امامت نماز، زکات، روزه، حج و جهاد کامل و تمام می‌شود و غنایم و صدقات ذخیره‌سازی می‌گردد.» امام از طرفی به بیان جزئیات احکام نماز، روزه، زکات، حج و جهاد می‌پردازد و زمینه کامل شدن آنها را فراهم می‌کند؛ از طرف دیگر عبادت بدون اعتقاد به امامت صحیح است اما مقبول نیست. یعنی امامت شرط قبولی اعمال عبادی است و به وسیله‌ی امامت اعمال عبادی کامل و تمام می‌شود.

رهبری جامعه‌ی نظام اقتصادی اسلام را سامان دهی و اجرا

۱ - همان‌ها.

۲ - معانی الاخبار، ص ۹۶، عیون، ج ۱، ص ۲۱۶، کافی، ج ۱، ص ۱۹۸، تحف العقول، ص ۴۲۶، احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴، بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.



می‌کند و غنایم و صدقات و مالیات‌های اسلامی مثل خمس و زکات را جمع آوری می‌نماید و بیت المال مسلمانان را غنی می‌گرداند تا جامعه اسلامی پشتوانه اقتصادی قوی داشته باشد و نیازمندان از آن استفاده کنند. اما بدون رهبری این امور مهم تحقق نمی‌یابد.

ب - امام الگویی اعمال عبادی:

(الامام.. معدن القدس و الطهارة و النسک و الزهادة و العلم والعبادة)^۱

«امام سرچشمه قداست، پاکی، اعمال، زهد، علم و عبادت است.»

امامت سرچشمه کارهای نیک و الگویی افراد جامعه در این زمینه است. مردم از امام خود، اعمال و عبادت صحیح را می‌آموزند.

۳- نقش امامت در جامعه: (نقش‌های سیاسی، اجتماعی، قانون‌گذاری و ...)

الف - امامت مایه نظام مندی جامعه اسلامی:
(ان الامامه ... و نظام المسلمین)^۲

ب - امامت مایه اصلاح دنیای مردم:
(ان الامامة... و صلاح الدنيا)^۳

۱ - عیون ج ۱، ص ۲۲۰ و معانی الاخبار، ص ۱۰۰، و امالی شیخ صدوق، ۶۷۷ و کافی، ج ۱، ص ۲۰۱، و بحار الانوار همان، ص ۱۲۴.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۶، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷ و معانی الاخبار، ص ۹۶، امالی صدوق همان، و کافی، همان ص ۱۹۸، و بحار، همان، ص ۱۲۰.

۳ - عیون همان، معانی الاخبار، همان، کمال الدین، همان و امالی، شیخ صدوق، ص ۶۷۴ کافی، همان.



ج - امامت مایه سربلندی مسلمانان و مؤمنان:
(ان الامامة... و عزّ المؤمنین)^۱
(الامام... و عزّ المسلمین)^۲

د - امامت ضامن اجرای قوانین:
(بالامامة... و امضاء الحدود و الاحکام)^۳
(و الامام... یقیم حدود الله)^۴

یکی از تأثیرات مهم رهبری در جامعه اسلامی آن است که امور دنیوی مسلمانان را نظام مند می‌کند. یعنی نظام مدیریت سیاسی و اقتصادی و نظامی مردم را سامان مند می‌سازد. در نتیجه امور دنیوی مردم به صورت صحیح سازماندهی و اصلاح می‌شود. این نظام مندی نهادها موجب قدرتمندی و عزت مؤمنان در جامعه و در سطح بین المللی می‌شود. همین سازماندهی امور مدیریتی زمینه ساز اجرای حدود و احکام الهی در جامعه می‌شود. یعنی رهبری با استفاده از بازوهای اجرایی و مدیریتی، با متجاوزان به حقوق افراد برخورد و گناهکاران را تنبیه می‌کند و جامعه را از آلودگی‌ها پاک می‌سازد و جامعه صالح و سعادتمند می‌گردد.



۱ - همان‌ها.

۲ - عیون، همان، کافی، همان، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۳ - همان‌ها.

۴ - همان‌ها.

هـ - امامت نهاد قانون گذاری:

(و الامام يحلل حلال الله و يحرم حرام الله)^۱

«امام حلال الهی را جایز و حرام الهی را ممنوع می سازد.»
قانون گذاری حق خداست چون او خالق، مالک و صاحب اختیار مردم است. اما خدای متعال حق قانون گذاری را در برخی حوزه های اجرایی به پیامبر و امام واگذار کرده است. از این رو دستور داده است که از پیامبر ﷺ و زمامداران الهی اطاعت کنید.^۲ بنابراین امام مسلمانان حق دارد در چهارچوب قوانین کلی الهی که در قرآن بیان شده است، برخی مقررات اجرایی را تشریح کند؛ یعنی برخی امور را حلال یا حرام اعلام نماید، همان طور که از باب احکام حکومتی می تواند قوانین خاصی وضع کند. تا احکام کلی الهی در جامعه اجرا شود.



و - امامت هدایتگر مردم:

(و الامام... و يدعو الى سبيل ربه بالحكمة و الموعدة الحسنة و الحجة البالغة)^۳

«امام با حکمت و نصیحت نیکو و دلایل قاطع مردم را به سوی پروردگار فرا می خواند.»

(الامام... الداعي الى الله)^۴

۱ - همان.

۲ - اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولوا امر منكم (نساء / ۵۹).

۳ - عیون، ج ۱، ص ۲۱۶ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷، و امالی، شیخ صدوق، ص ۶۷۴، کافی، ج ۱، ص ۱۹۸، و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۴ - عیون، ج ۱، ص ۲۱۹، و احتجاج، همان، بحار، همان، ص ۱۲۴.

(الامام... راع {داع} لا ینکل)^۱

از مهم‌ترین نقش‌های امام و پیشوای مسلمانان، راهنمایی مردم به سوی خداست. امام مردم را مجبور نمی‌سازد و به سوی نفس خویش دعوت نمی‌کند؛ بلکه فقط دعوت کننده به سوی خداست یعنی نقش راهبردی و راهنمایی دارد و در اجرای این وظیفه خود کوتاهی نمی‌کند بلکه با استفاده از برهان‌های منطقی و دلایل قاطع، مردم را به سوی حق فرا می‌خواند و آن‌ها را نصیحت و موعظه نیکو می‌کند که به کژ راه نروند و سعادت دنیا و آخرت خود را فراموش نکنند.

ز - امامت دشمن شکن:

(الامام... و غیظ المنافقین و بوار الکافرین)^۲

یکی از نقش‌های اجتماعی رهبری مبارزه با دشمنان داخلی و دشمنان خارجی است. چرا که همواره جامعه اسلامی از درون و برون تهدید می‌شود، دشمنان داخلی همان منافقان هستند که به ظاهر مسلمانان‌اند ولی در باطن همدست کفار هستند؛ دشمنان خارجی همان کافران‌اند و رهبر اسلامی همچون سدی در برابر هر دو گروه ایستاده است؛ از این رو مورد خشم منافقان قرار می‌گیرد و زمینه ساز نابودی کافران می‌شود.

ح - امام، رهبر سیاسی مردم:

۱ - عیون، ج ۱، ص ۲۲۰، و کمال الدین، همان، و امالی شیخ صدوق، ص ۶۷۷، و کافی، ج ۱، ص ۲۰۱، و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲ - عیون؛ ج ۱، ص ۲۱۹، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸، و غیبة النعمانی، ص ۲۱۸، کافی، همان، ص ۱۹۸.



«الامام... عالم بالسیاسه مفروض الطاعة قائم بامر الله ناصح
لعباد الله»^۱

«امام از سیاست آگاه است و اطاعت او واجب است و بر پا
دارنده دستورات الهی و خیر خواه بندگان خدا است.»
یکی از مهم‌ترین نقش‌های امامت در جامعه اسلامی و سطح
بین‌المللی، رهبری سیاسی است. امام رهبر سیاسی کلان‌جامعه
اسلامی است. رهبر جامعه اسلامی سیاست‌های کلان‌نظام
اسلامی را تعیین می‌کند. البته این سیاست‌ها در چهارچوب
دستورات الهی و براساس خیرخواهی برای مردم استوار است. از
آنجا که اطاعت امام و رهبر اسلامی واجب است، این سیاست‌ها
در ارکان جامعه جریان می‌یابد و اجرا می‌شود.



۴- نقش امامت در رستاخیز

اول امامت مایه‌ی شفاعت:

(و یشفع)^۲

براساس آیات قرآن کریم، شفاعت با رخصت الهی انجام
می‌شود.^۳ و برای افرادی تحقق می‌یابد که رضایت الهی شامل
حال‌شان شود.^۴

شفاعت امام در رستاخیز تجلی هدایت او در دنیاست و

۱ - عبون، ج ۱، ص ۲۲۰، کمال‌الدین، همان، و معنی الاخبار، ص ۱۰۰ و کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲ - عبون، ج ۱، ص ۲۱۳، و کشف الغمّة، علی بن عیسیٰ اربلی، ج ۲، و بحار ج ۲۵، ص ۱۱۷.

۳ - من ذالذی یشفع عنده الا باذنه (بقره / ۲۵۵) و مشابه آن طه / ۱۰۹ و سبأ / ۲۳.

۴ - ولا یشفعون الا لمن ارتضی (انبیاء / ۲۸) و مشابه آن مریم / ۸۷.

شفاعت پذیری مردم در قیامت تجلی هدایت پذیری آنها در دنیاست. یعنی کسانی که در دنیا پیرو امام باشند، در دنیا به سوی سعادت رهنمون می‌شوند و در نتیجه در قیامت از دوزخ نجات می‌یابند و به سوی بهشت رهسپار می‌گردند و اگر در این راه گرفتار لغزش و انحراف و خطا شده باشند با کمک امامت نجات می‌یابند.



دوم: جایگاه امامت در جهان شناسی و انسان شناسی اسلام

۱- امامت جانشین و امین خدا در زمین:

(ان الامامه خلافة الله عزوجل...)^۱

«در حقیقت امامت جانشینی خدای متعال (در زمین) است.»

(الامام امین الله فی ارضه)^۲

«امام امین خدا در زمین اوست.»

(و خلیفته فی بلاده)^۳

«(امامت) جانشینی او در شهرهای اوست.»

در آیات قرآن آمده است که خدای متعال، حضرت آدم علیه السلام را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داد.^۴ البته از طرفی خدای متعال همه جا حاضر است و در مکانی غایب نیست تا جانشین بخواهد. پس این جانشین مقامی است نه مکانی، یعنی اختیارات خاصی به آدم علیه السلام عطا شد و از طرف دیگر حضرت آدم علیه السلام به عنوان شخص، جانشین پروردگار نشد بلکه او نماینده بشریت بود.

و از طرف سوم روشن است که فقط برخی انسانها شایستگی دارند که جانشین و نماینده خدا در زمین باشند؛ این افراد همان امامان الهی هستند که می توانند امانت دار خوبی برای این مقام (خلیفه الهی) باشند.



۱ - عیون، ص ۲۱۶، و امالی، شیخ صدوق، ص ۶۷۴، و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.
۲ - عیون، ج ۱، ص ۲۱۹، و امالی شیخ صدوق، ص ۶۷۷ و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴ و بحار، همان.

۳ - عیون، ص ۲۱۹، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷، و معانی الاخبار، ص ۹۸، کافی، ج ۱، ص ۱۹۸ و غیبه نعمانی، ص ۲۱۸، و بحار ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۴ - از قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة (بقره / ۳۰).

۲- مقام امامت بالاتر از نبوت:

عن الرضا عليه السلام: (ان الامامة خصّ الله عزوجل بها ابراهيم الخليل عليه السلام بعد النبوة والخلة مرتبة ثالثة و فضيلة شرّفه بها و اشاد بها ذكره فقال عزوجل: اني جاعلك للناس اماماً)^۱

«در حقیقت امامت مقامی است که خدای عزوجل به ابراهیم خلیل عليه السلام اختصاص داد؛ این مقام بعد از مرحله نبوت و دوستی به ابراهیم عليه السلام داده شد و فضیلتی بود که ابراهیم عليه السلام بدان شرافت یافت و آوازه اش بدان بلند شد و خدای عزوجل فرمود: «به راستی که من تو را برای مردم امام قرار دادم.»

در واقع مقام امامت بعد از امتحانات متعدد به این پیامبر الهی عطا شد، بنابراین مقام امامت مقامی معنوی، سیاسی و اجتماعی است که از مقام نبوت بالاتر است. چون پیامبران، خبرگزاران الهی هستند و امامان مجریان این اخبار و هدایت گران بشر هستند. از این رو ممکن است کسی پیامبر باشد، اما امام نباشد و کسی دیگری امام باشد اما پیامبر نباشد و بزرگوارانی مثل ابراهیم عليه السلام و پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم هم امام و هم پیامبر باشند.

۳- مقام امام / مقام پیامبر:

عن الرضا عليه السلام: (ان الامامة هي منزلة الانبياء)^۲

«در حقیقت امامت، جایگاه پیامبران است.»

همان طور که در قرآن بیان شده است، خدای متعال مقام

۱ - عیون اخبار الرضا عليه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۶، و معانی الاخبار، ص ۹۶، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵، و امالی شیخ صدوق، ص ۶۷۴، و کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲ - عیون، همان، معانی، همان، و امالی، شیخ صدوق، همان، کافی، همان، بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.



امامت را به افرادی همچون ابراهیم علیه السلام داده است.^۱ بنابراین امامت مخصوص افرادی کمال یافته در حد پیامبران الهی است. البته امامت با نبوت ملازم نیست یعنی ممکن است امام، پیامبر باشد یا نباشد.

۴- امام حجت الهی:

(و حجتہ علی عبادہ)^۲

«امام حجت خدا بر بندگان اوست، یعنی دستورات الهی به وسیله رهبر جامعه اسلامی به مردم ابلاغ می‌شود و بعد از آن عذری برای مخالفت با دستورات الهی وجود ندارد، امام پاسخگوی مردم در این امور دینی و صاحب معجزه و کرامت است. از این رو دلیل قاطع بر حقانیت دین و تمام کننده حجت الهی بر مردم است.»



۵- فرشتگان با امام سخن می‌گویند.

(یکون محدثاً)^۳

«امام، مخاطب گفت و گوی «فرشتگان الهی» است (مطالب را به او الهام می‌کنند).»
در آیات متعدد قرآن از سخن گفتن فرشتگان الهی با پیامبران و در چند مورد نیز از سخن گفتن فرشتگان با غیر پیامبران یاد شده

۱- نک: بقره / ۱۲۴.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱، ص ۲۱۹ و مشابه آن، ص ۲۲۲، و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴ و بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۲، و معانی الاخبار، ص ۱۰۲، و خصال، ج ۲، ص ۵۲۷، و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸ و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶، و بحار ج ۲۵، ص ۱۱۶.

است. همچون سخن گفتن فرشتگان با حضرت مریم؛^۱ بنابراین سخن گفتن فرشتگان با امامان نه تنها امری ممکن است^۲ بلکه برای ابلاغ دستورات و هدایت‌های الهی، امری ضروری است. کسی که رهبری جامعه اسلامی را در دست دارد، همواره نیازمند راهنمایی الهی است که از طریق الهام یا فرشتگان به وی ابلاغ می‌شود.

حتی در برخی احادیث آمده است که فرشتگان الهی در گوش دل هر انسان زمزمه می‌کنند و کارهای نیک را به او یادآوری می‌نمایند.^۳

۶- امام از مردم به مردم سزاوارتر است:

(یکون اولی الناس بالناس منهم بانفسهم)^۴

«امام سزاوارترین مردم نسبت به مردم است، به طوری که از خود مردم نسبت به آن‌ها سزاوارتر است.»^۵

براساس آیات قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خود مؤمنان نسبت به آنان سزاوارتر است. یعنی دستورات او مقدم بر دستورات شخصی افراد مؤمن است. براساس روایت مذکور این مقام مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله نیست بلکه هر امام معصومی این گونه است.

۱ - قال انما انا رسول ربک (مریم / ۲۶).

۲ - عیون، ج ۱، ص ۵۶، کافی، ج ۱، ص ۵۳۴، بصائر الدرجات، ص ۳۱۹.

۳ - ... اذ نازن اذن ینفث فیہ الملک، کافی، ج ۲، ص ۲۶۷، و بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۹۴. (تفاسیر قرآن ذیل سورة ناس و فلق).

۴ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۲، و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۰، و بحار ج ۲۵، ص ۱۱۶.

۵ - النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم (احزاب / ۶).



۷- امام، معصوم از گناه و نقص:

(الامام المطَّهَّر من الذنوب المبرِّأ من العيوب)^۱

«امام از گناهان پاک و از عیب‌ها به دور است.»

(الامام... معدن القدس و الطَّهارة)^۲

«امام منبع پاکی و طهارت است.»

(و هو معصوم مؤید موفق مسدّد قد امن الخطایا و الزلل و
العتار یخصه الله عزوجل بذلك لیكون حجته علی عباده و شاهده
علی خلقه)^۳

«امام معصوم و مورد تأیید و موفق (به انجام وظایف الهی)
استوار در انجام وظایف به تأیید الهی است که از خطاها و
لغزش‌ها مصون است، خدای متعال این ویژگی را به امام بخشید
تا حجت خدا بر بندگانش و گواه بر آفریدگانش باشد.»
امامان جانشینان پیامبر ﷺ هستند و وظایف ایشان را در تبیین
دین و ابلاغ و اجرای آن به عهده دارند، و حجت الهی بر مردم
به شمار می‌آیند، یعنی سخن و عمل آن‌ها الگوی مسلمانان است
و باید طبق دستورات آن‌ها عمل شود.

چنین کسی که در این مقام خطیر قرار دارد، اگر گرفتار خطا
و گناه شود، اعتماد مردم از او سلب می‌شود و نمی‌تواند وظایف
فوق را انجام دهد. از این رو عقل حکم می‌کند که باید امام



۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۹، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸، و معانی
الاخبار؛ ص ۹۸ و امالی شیخ صدوق، ص ۶۷۷ و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۵، بحار ج ۲۵،
ص ۱۲۴.

۲ - عیون، ج ۱، ص ۲۲۰، و کمال الدین، همان، معانی الاخبار، ص ۱۰۰، و امالی صدوق،
همان و بحار، همان، احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶، و غیبة نعمانی، ص ۲۲۱.

۳ - عیون، همان، و کمال الدین همان، غیبة نعمانی، همان، معانی الاخبار، همان، کافی، ج
۱، ص ۲۰۳، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷.

معصوم باشد.

۸- دعای امام، مستجاب است:

(یکون دعاءوه مستجاباً حتی انه لو دعا علی صخره لا نشقت)

بنصفین)^۱

«دعای امام مورد قبول خدای متعال قرار می‌گیرد، به طوری که اگر (بر فرض) در مورد صخره‌ای بخوهد (و دعا کند) به دو نیم تقسیم می‌شود.»

از این روست که ما از امامان معصوم علیهم‌السلام می‌خواهیم که برای ما دعا کنند و واسطه شوند که خدا حاجات ما را برآورده کند، چرا که آنان مقربان درگاه الهی هستند و دعایشان مستجاب است.

۹- علم امام و آگاهی از امور غیبی و آینده:

امامان معصوم علیهم‌السلام از چند طریق بر علوم اشراف یافتند، نخست از طریق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که بسیاری از مطالب ایشان نسل به نسل به امامان منتقل شده است. دوم از طریق الهامات الهی و اتصال به عالم غیب و سوم از طریق قرآن کریم و تدبر در آن.

الف: آگاهی از اسامی شیعیان تا روز رستاخیز

(تكون عنده صحيفة فيها اسماء شيعتهم الى يوم القيامة و صحيفة

فيها اسماء اعدائهم الى يوم القيامة)^۲

۱ - عيون اخبار الرضا عليه‌السلام، صدوق ج ۱، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲، و من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸، و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

۲ - عيون اخبار الرضا عليه‌السلام، صدوق، همان، و علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۱۴، و مناقب، ج ۱، ص ۲۵۳، و بحار، همان.



«نزد امام نوشته‌ای است که در آن‌ها نام‌های شیعیان تا روز رستاخیز ثبت شده است و نیز نوشته‌ای که اسامی دشمنان آن‌ها تا روز رستاخیز ثبت شده است».

آگاهی امام از مسائل و حوادث و نام‌های شیعیان همچون آگاهی و تسلط بر اطلاعات زیادی است که در یک لوح فشرده رایانه‌ای جمع‌آوری شده است و هرگاه بخواهیم بدانها دسترسی پیدا می‌کنیم.

البته علم و آگاهی امامان از نام شیعیان و دشمنان به معنای نفی اختیار انسانها در انتخاب راه نیست. بلکه تغییر و بداء در این مسائل و علوم ممکن است. چون علم به این نام‌ها همراه علم به اختیار انسان است.^۱



ب: اعمال بندگان را می‌بیند.

(بینه و بین الله عمود من نور یری منه اعمال العباد و کَلَمَا احتاج الیه لدلاله اطلع علیه و یبسطة فیعلم و یقبض عنه فلا یعلم)^۲

«بین امام و خدای متعال، ستونی از نور است که در آن کارهای بندگان را مشاهده می‌کند و هرگاه نیازمند اطلاعاتی باشد از آنها آگاه می‌شود و (اطلاعات فشرده) برای او باز و گسترده می‌شود و بدان‌ها علم می‌یابد، و (گاهی) بسته می‌شود و از آن‌ها آگاه

۱ - در اصطلاح علم کلام، به این گونه تغییرات «بداء» گویند. و مقصود آن است که برخی مقدرات الهی حتمی و برخی آنها غیر حتمی است و مقدرات غیر حتمی ممکن است تغییر کند.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۲۱۳، و مشابه آن در ج ۲، ص ۲۰۰ و خصال، ج ۲، ص ۵۲۸ و کشف الغممه، ج ۲، ص ۲۹۱.

نمی‌شود.^۱

ج: آگاهی از حوادث آینده از طریق پیامبر ﷺ (کل ما اخبر به من الحوادث التي تحدث قبل كونها فذلك معهود اليه من رسول الله ﷺ توارثه و عن آباءه عنه و يكون ذلك مما عهد اليه جبرئيل من علام الغيوب عز وجل).^۲

«هر چه از حوادث آینده که امام علیؑ قبل از وقوع آن‌ها خبر می‌دهد، از طریق مشخص از پیامبر ﷺ به دست آورده است یعنی از پدرانش ارث برده است و آن اخبار در اصل از جبرئیل از خدای دانای اسرار رسیده است.» همانطور که گذشت یکی از منابع علم امامان معصوم علیهم السلام اطلاعاتی است که از طریق پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین علیؑ و فاطمه زهرا علیهما السلام رسیده، سپس به فرزندان معصومش منتقل شده است.



د: امام از دل و ذهن مردم با خبر است (قال فما وجه اخباركم بما في قلوب الناس قال عليؑ: اما بلغك قول الرسول ﷺ: اتقوا فراسة المؤمن فانه ينظر بنور الله. قال: بلى؛ قال: فما من مؤمن الا وله فراسة ينظر بنور الله على قدر ايمانه و مبلغ استبصاره و علمه و قد جمع الله للائمنا ما فرقه في جميع

۱ - آگاهی امام علیؑ از حوادث و کارهای مردم مثل آگاهی ما از اطلاعات رایانه ای است. همانطور که ما به وسیله خط تلفن و اینترنت به اطلاعات زیادی دسترسی پیدا می‌کنیم و هرگاه بخواهیم اطلاعات باز و گسترده در اختیار ما قرار می‌گیرد. در این حدیث نیز قرن‌ها قبل از اختراع رایانه و اینترنت مطلب به صورت کاملاً فنی و زیبا بیان شده است.

۲ - عیون اخبار الرضا علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۱۳ و مشابه این حدیث، ج ۲، ص ۲۰۰.

المؤمنين)^۱

«در این حدیث حکایت شده است که شخصی از امام رضا علیه السلام پرسید: چگونه شما از دل‌های مردم خبر می‌دهید؟
حضرت در پاسخ فرمودند: آیا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به تو نرسیده است که فرمودند: «از زیرکی و فراست مؤمن بهره‌زید و خود را حفظ کنید که مؤمن با نور الهی به امور نظر می‌کند.»
پرسش کننده گفت: آری (شنیده‌ام).
حضرت فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر آن که زیرکی و فراستی دارد و به اندازه ایمانش و مقدار بینش و دانشی که دارد با نور الهی به امور می‌نگرد و خدا همه فراست‌هایی را که در مؤمنان پراکنده ساخته، در امامان جمع کرده است.»



هـ: سرچشمه علم امام، الهی است

(ان الانبياء والائمة يوفقهم الله ويوتيه من مخزون علمه وحكمة ما لا يوتيه غيرهم فيكون علمهم فوق كل علم اهل زمانهم...)^۲
«در حقیقت پیامبران و امامان را خدا توفیق می‌دهد و از منبع علم و حکمتش به آن‌ها چیزهایی عطا می‌کند که به دیگران نمی‌دهد، بنابراین دانش آنان بالاتر از دانش اهل زمانشان است.»
(ان العبد اذا اختاره الله عزوجل لامور عباده... الهمة العلم الهاماً
قلم یعی بعده بجواب)^۳

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۰، و معانی الاخبار، ص ۱۰۰، و کافی، ج ۱، ص ۲۰۱، و غیبة نعمانی، ص ۲۲۱ و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶ و بحار ج ۲۵، ص ۱۲۷.

۳ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۰، و معانی الاخبار، ص ۱۰۰، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸، و امالی صدوق، ص ۶۸۰، و کافی، ج ۱، ص ۲۰۱، بحار ج ۲، ص ۱۲۷.

«در حقیقت هنگامی که خدای متعال بنده‌ای را برای رسیدگی به امور بندگان‌ش انتخاب می‌کند... دانشی به او الهام می‌کند که بعد از آن در جواب باز نمی‌ماند.»

۱۰- امام میراث دار پیامبر ﷺ و امامان:

الف: امام جانشین پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام
(ان الامامة... و ارث الاوصياء... و خلافة الرسول و مقام امیرالمؤمنین و میراث الحسن و الحسين علیهم السلام)^۱
«در واقع امامت وراثت اوصیا و جانشینی پیامبر ﷺ و مقام امام علی علیهم السلام و میراث حسن علیهم السلام و حسین علیهم السلام است...»
امامان معصوم علیهم السلام جانشینان به حق پیامبر اکرم ﷺ هستند، پیامبر اسلام ﷺ موارد متعدد بر این مطلب تأکید کردند، از جمله در جریان غدیر خم و انتصاب امام علی علیهم السلام به امامت.
سپس این خلافت و جانشینی پیامبر ﷺ به عنوان امانتی الهی از امام علی علیهم السلام به امام حسن علیهم السلام رسید و آن گاه به امام حسین علیهم السلام و فرزندان معصوم ایشان رسید و اکنون این قبای فاخر به قامت حجه بن الحسن علیه السلام آراسته شده است.
البته وراثت در این جا به معنای حکومت پادشاهی و ارث بردن پسر از پدر نیست بلکه این وراثت براساس شایستگی افراد برای جانشینی پیامبر ﷺ است که خدا از آن‌ها اطلاع دارد و امام را براساس آن مشخص می‌سازد. از این رو امامت در نسل امام حسین علیهم السلام قرار گرفت ولی در نسل امام حسن علیهم السلام قرار نگرفت.



۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۶ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷، و امالی صدوق، ص ۶۷۴ و کافی، ج ۱، ص ۱۹۸، و غیبة نعمانی، ص ۲۱۸، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

ب: سلاح پیامبر نزد امام
 (و یکون عنده سلام رسول الله ﷺ و سيفه ذوالفقار)^۱
 «اسلحه پیامبر اکرم ﷺ و شمشیر ذوالفقار (امیر المؤمنین علیه السلام)
 نزد امام معصوم است.»

این مطلب از طرفی می‌تواند اشاره بدان باشد که امام رهبر جامعه اسلامی همچون پیامبر ﷺ و امیر المؤمنین علیه السلام همیشه مسلح و آماده مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی اسلام است و از طرف دیگر اشاره بدان است که امامان معصوم همانطور که وراثت مقام پیامبر ﷺ هستند، وراثت میراث گران بها و یادگارهای نمادین ایشان می‌باشند.

ج: کتاب جامعه نزد امام
 (و تكون عنده الجامعه و هی صحیفه طولها سبعون ذراعاً فیها
 جمیع و ما یحتاج الیه ولد آدم)^۲

«کتاب جامعه نزد امام معصوم علیه السلام است و آن نوشته‌ای است که طول آن هفتاد ذراع (حدود ۳۵ متر) است و در آن همه نیازمندی‌های فرزندان آدم وجود دارد.»

براساس روایات کتاب جامعه توسط امام علی علیه السلام تهیه و مطالب دینی و شرعی در آن گردآوری شد^۳. البته مقصود حدیث مذکور آن است که اصول و کلیات همه نیازهای شرعی انسان‌ها در این کتاب گردآوری شده است.^۴



۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۲، و معانی الاخبار، ص ۱۰۲، الخصال، ج

۲، ص ۵۲۷، و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸، و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

۲ - همان‌ها.

۳ - بصائر الدرجات، محمد صفار، ص ۱۵۱، کافی ج ۱، ص ۲۳۸.

۴ - این مطلب با توجه به هدف نگارش کتاب فوق و قرائن و قیّد لیبی حدیث بدست

نه این که همه جزئیات علوم و فنون و... در آن وجود داشته باشد.

د: کتاب جفر نزد امام
(یکون عنده الجفر الاکبر و الاصغر اهاب ما عز و اهاب کبش
فیهما جمیع العلوم حتی ارش الخدش و حتی الجلدہ و نصف الجلدہ
و ثلث الجلدہ).^۱

«کتاب جفر بزرگ و کوچک نزد امام معصوم علیه السلام است، که بر پوست بز و گوسفند (نوشته شده) است. و در آن همه علوم حتی حکم خراش و ضربه تازیانه و نصف و ثلث آن بیان شده است.»
براساس روایات کتاب «جفر» که احکام الهی در آن گرد آوری شده است توسط امام علی علیه السلام تهیه شد و^۲ سپس هر امامی آن را به امام بعد از خود سپرده است.

ه: مصحف فاطمه علیها السلام نزد امام
(یکون عنده مصحف فاطمه)^۳

در روایات، از کتابی با عنوان «مصحف فاطمه علیها السلام» یاد شده است که حاصل مکالمات حضرت زهرا علیها السلام با فرشتگان است و در هر عصری نزد امام آن عصر امانت است.

می آید.

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۲، و معانی اخبار، ص ۱۰۲، و خصال، ج ۲، ص ۵۲۷، و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

۲ - بصائر الدرجات، همان، کافی، همان.

۳ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، معانی، همان، خصال، همان، من لا یحضره الفقیه، همان، بحار، همان.



۱۱- امام تأیید شده روح القدس:

(ان الامام مؤید بروح القدس)^۱

در حقیقت امام با روح القدس تأیید می شود.

عن الرضا علیه السلام: ان الله عزوجل قد ایدنا بروح منه مقدسة مطهرة ليست بملك لم تكن مع احد ممن مضى الا مع رسول الله صلی الله علیه و آله و هي مع الائمة منا تسددهم و توفقهم و هو عمود من نور بيننا و من الله عزوجل.^۲

از امام رضا علیه السلام حکایت شده است که: «خدای عزوجل ما را با روح الهی تأیید کرده است، روح پاک و مطهری که فرشته نیست و با گذشتگان همراهی نکرده است مگر با رسول خدا صلی الله علیه و آله، و این روح الهی با امامان از اهل بیت علیهم السلام است و آنان را تأیید می کند و موفق می سازد و آن ستونی از نور است که بین ما و بین خدای متعال قرار دارد».

در قرآن کریم مکرر از فرشته ای به نام «روح القدس» یاد شده که قرآن توسط او بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.^۳ در برخی آیات نیز از فرشته نازل کننده وحی با عنوان جبرئیل یاد شده است.^۴ از سوی حضرت عیسی علیه السلام به وسیله روح القدس تأیید می شده در روایت اول نیز آمده است که امامان معصوم علیهم السلام یا روح القدس تأیید می شوند.



۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۳، خصال، ج ۲، ص ۵۲۸، و کشف الغم، ج ۲، ص ۲۹۱، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۱۷.

۲ - عیون، ج ۲، ص ۲۰۰، و بحار، ج ۲۵، ص ۴۸ و ص ۱۳۴.

۳ - قل نزله روح القدس من ربک (نحل / ۱۰۲).

۴ - بقره / ۹۷.

۵ - بقره / ۸۷ و ۲۵۳ و مائده / ۱۱۰.

اما در روایت دوم آمده است: موجودی که فرشته نیست یعنی روح الهی و پاک همراه پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام است و آنان را تأیید می کند. یعنی علاوه بر روح القدس که تأیید کننده ویژه‌ای به نام روح الهی وجود دارد که پیوند نورانی امام را با خالق هستی برقرار می سازد و زمینه ساز موفقیت آن هاست. شاید از این روست که در سوره قدر از «فرشتگان» در کنار «روح» نام برده شده است.

(تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم)^۱

در شب قدر فرشتگان و روح با رخصت الهی (بر پیامبر یا امام عصر) فرود می آیند. در برخی روایات و تفاسیر نیز آمده است که «روح» موجودی بزرگ تر از فرشته و غیر از جبرئیل است.^۲



۱۲- امامت نور جهان افروز و آب حیات:

عن الرضا علیه السلام: (الامام كالشمس الطالعه للعالم وهي في الافق بحيث لا تنالها الا يدي و الابصار الامام البدر المنير و السراج الزاهر و النور الساطع و النجم الهادي في غياهب الدجى و البيد القفار و ليج البحار الامام الماء العذب على الظما و الدال على الهدى و المنجى على الردى الامام النار على اليفاع الحار لمن اصطلى به و الدليل فى المهالك، من فارقه فهالك.

الامام السحاب الماطر و الغيث الهاطل و الشمس المضيئه و السماء الضليله و الارض البسيطة و العين الغزيره و الغدير و الروضه).^۳

۱- قدر / ۴.

۲- رک: محاسن، ج ۲، ص ۳۱۴، و بصائر، ص ۴۴۰، و تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۷۰۱، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۳۵ و نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۴.

۳- عیون، ج ۱، ص ۲۱۹، و امالی صدوق، ص ۶۷۴ و کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند:
 «امام همچون خورشید جهان افروز است و در افق بلندی قرار دارد که دست‌ها و چشم‌ها به او نمی‌رسد، امام ماه فروزان و چراغ روشن‌گر و نور پر فروغ و ستاره هدایت‌گر در تاریکی‌ها و بیابان‌های خالی و دل‌دریاهاست. امام آب‌گوارای تشنگان و راهنمای هدایت‌پیشه و نجات‌گر از پرتگاه‌هاست. امام آتشی بر تپه‌ای داغ‌است برای کسی که تحمل او را داشته باشد و راهنمای انسان‌ها در هلاکت‌گاه‌هاست، هر کس از امام جدا شود هلاک می‌شود. امام ابر باران‌زاست، بارانی مداوم و خورشیدی فروزنده و آسمان سایه‌دار، زمین گسترده، چشمه پر آب، برکه و باغ‌است.»



۱۳- امام رفیق مهربان و پناهگاه شماست:

عن الرضا علیه السلام: (الامام الامین الرفیق و الاخ الشقیق {الشفیق} و مفزع العباد فی الداهیه)^۱

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند:
 «امام فردی امین و رفیق و برادری مهربان و پناهگاه مردم در مشکلات عظیم است.»

آری رهبر جامعه اسلامی باید این گونه باشد که درعین صلابت و انجام وظیفه، دوست مردم باشد به طوری که مردم در هنگام مشکلات، او را پناهگاه خود بدانند و مشکلات را با او در میان گذارند و از او راهکار و کمک بخواهند.»

۱۴- فضایل امام موهبتی الهی است:

(الامام... مخصوص بالفضل كله من غير طلب منه و الاكتساب بل اختصاص من المفضل الوهاب)^۱

«فضایلی که ویژه امام گشته، همه بدون درخواست او و غیر اکتسابی است، این فضایل از طرف فضیلت دهنده بخشنده (= خدای متعال) به امام اختصاص یافته است».

این سخن به معنای جبر نیست بلکه مقصود فضایل ویژه امامت مثل عصمت و تأیید روح القدس و مانند آن است که مواهب الهی است و ظرفیت اخلاقی و علمی و روحی امام در نزول این مواهب الهی مؤثر است. آری تقوا، تزکیه نفس و عبادت‌های امام زمینه ساز الطاف الهی است.

۱۵- امام دارای شرح صدر الهامات علمی و توفیقات الهی

است:

(... و ان العبد اذا اختاره الله عزوجل لامور عباده شرح صدره لذلك و اودع قلبه ینابیع الحکمه و الهمه العلم الهاماً فلم یعی بعده بجواب و لا یحیر فیهِ عن الصواب و هو معصوم موید موفق مسدد قد امن الخطایا و الزلل و العثار یخصه الله عزوجل بذلک لیكون حجته علی عباده و شاهده علی خلقه و ذلک: فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم)^۲

در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام روایت شده است که:
«در حقیقت هنگامی که خدای متعال بنده‌ای را برای رسیدگی

۱ - عیون، همان، و کافی، ج ۱، ص ۲۰۱، و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۵ و غیبه نعمانی، ص ۲۱۸.

۲ - عیون، ج ۱، ص ۲۲۰، و امالی، شیخ صدوق، ص ۶۸۰ و کافی، همان.



به کارهای بندگانش انتخاب می‌کند، شرح صدر (سینه‌ای گشاده برای تحمل مشکلات) را در آن مورد به او عطا می‌کند و منابع حکمت را در دل او به ودیعت می‌گذارد، و علم را به او الهام می‌کند به طوری که بعد از آن از جواب مسائل باز نمی‌ماند و در مورد پاسخ صحیح حیران نمی‌شود. امام معصوم و مورد تأیید و با توفیق و استوار در انجام وظایف به تأیید الهی است که از خطا و لغزش‌ها مصون است. خدای متعال این ویژگی را به امام بخشید تا حجت خدا بر بندگانش و گواه بر آفریدگانش باشد، و این موهبت الهی است که به هر کس بخواهد عطا می‌کند و خدا دارای موهبتی عظیم است».



سوم: شیوهی شناخت و تعیین امام معصوم علیه السلام

۱- تعیین امام با نصب الهی است چرا که خرد انسان‌های عادی از تعیین امام معصوم علیه السلام عاجز است.

عن الرضا علیه السلام: (ان الامامه اجل قدراً و اعظم شأناً و اعلی مکاناً و امنع جانباً و ابعد غوراً من ان يبلغها الناس بعقولهم او ينالوها بأرائهم او يقيموا اماماً باختيارهم)

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که:

«قدر و شأن امامت بزرگ‌تر و جایگاه آن بالاتر و خطیرتر و دورتر از دسترس است که عقل انسان‌ها بدان راه یابد و در دسترس آرای مردم قرار گیرد. و امامی را با انتخاب خود منصوب کنند.»

(عن الرضا علیه السلام: ... فمن الذلی يبلغ معرفه الامام و يمكنه اختياره هيئات هيئات ضلّت العقول و تاهت الحلوم و حارت الالباب و حسرت العيون و تصاغرّت العظماء و تحيرت الحكماء و تقاصرت الحلماء و حصرت الخطباء و جهلت الالبياء و كلت الشعراء و عجزت الأدباء و عيبت البلغاء عن و صف شأن من شأنه او فضيله من فضائله فاقرت بالعجز و التقصير و كيف يوصف له او ينعت بكنهه او يفهم شبي من امره او يوجد من يقوم مقامه...).

و نیز از آن حضرت نقل شده است که:

«چه کسی است که به شناخت (کامل) امام دسترسی پیدا کند و بتواند امام را انتخاب کند، بعید است بعید است، عقل‌ها منحرف،



خرد‌ها مضطرب، خردمندان حیران، چشم‌ها حسرت زده، بزرگان کوچک شده، حکیمان حیران، صبوران قاصر، گویندگان در تنگنا، زیرکان ناآگاه و شاعران وامانده و ادیبان عاجز و سخنوران ناتوان هستند و کوتاهی خود اقرار کردند. چگونه ژرفای وجودی امام را وصف کنند یا چیزی از او درک کنند یا جانشین او را بیابند...»

امام معصوم باید ویژگی‌هایی مثل عصمت، معنویت، ارتباط با عالم غیب، دانش افزون تر و شایستگی‌های مدیریتی والا داشته باشد. شناخت این خصلت‌های درونی برای مردم عادی ممکن نیست از این رو امام معصوم را نمی‌توان با انتخابات تعیین کرد. چون عقل انسان نمی‌تواند به ژرفای وجودی افراد نفوذ کند و این ویژگی‌ها را تشخیص دهد.

۲- علم و استجابیت دعا؛ دو راه اساسی شناخت امام

(دلالته فی خصلتین فی العلم و استجابیه الدعوه)^۱

یکی از نشانه‌های امام بر حق آن است که در قله علم عصر خویش قرار دارد و داناترین و اعلم مردم است.^۲ نشانه دیگر او آن است که دعا‌های او مستجاب است. البته این دو مطلب تا حدودی^۳ قابل آزمایش است و در مورد برخی امامان همچون امام رضا علیه السلام مکرر آزمایش شد. ایشان در مباحثات متعددی با دانشمندان ادیان مختلف شرکت کرد^۴ و پیروز شد و نیز استجابیت



۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۹، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸، و امالی شیخ صدوق، ص ۶۷۷، و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۵.

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۰، و امالی، همان، ج ۲۵، ص ۱۲۷.

۳ - در میث علم امام بیان شد که یکی از راه‌های علم امام، الهامات الهی و ارتباط با غیب است و اطلاع از این موارد نیز برای مردم مشکل است.

۴ - تک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، و بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۴۹ (جلد ویژه امام رضا علیه السلام) و

دعاهای او بر مردم آشکار گردید همان طور که کرامات ایشان بعد از شهادت تاکنون آشکارا ادامه دارد.

۳- ناتوانی عموم مردم از شناخت صفات امام:

(عن الرضا علیه السلام: ... فکیف لهم باختيار الامام و الامام عالم لا یجهل راع لا ینکل معدن القدس و الطهاره...)¹

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

«چگونه ممکن است که مردم امام را برگزینند، در حالی که امام دانایی است که جهل در او راه ندارد و دعوتگری است که کوتاهی نمی‌کند، منبع پاکی و طهارت است و ...»

این حدیث نیز به ناتوانی انسان از شناخت کامل صفات امامان اشاره می‌کند؛ پس اگر انسان عادی بخواهد امام انتخاب کند، ممکن است به خطا برود و افراد ناشایست را انتخاب کند و پشیمان شود. همان طور که این امر گاهی در انتخاب رئیس جمهور کشورها اتفاق می‌افتد.

پس باید خدایی که از اسرار جهان وانسان آگاه است و ظرفیت‌ها و شایستگی‌های افراد را می‌داند و امام معصوم و اعلم و پاک را می‌شناسد، اقدام به انتخاب امام کند.



چهارم: ویژگی‌های پیشوای امت

۱- آگاهترین مردم (اعلم الناس) ^۱ (مخصوص بالعلم)؛
(الامام عالم لا یجهل) ^۳

امام وظایف سنگینی در رابطه با مردم و دین بر عهده دارد که در این رابطه آگاهی از علوم مختلف برای او ضروری است و حتی لازم است دانشمندترین فرد زمان خویش باشد. از آنجا که علم او الهی است، با جهل آمیخته نمی‌شود. (در مورد علم امام و منابع آن در مباحث قبلی مطالبی بیان شد).

۲- داورترین مردم (احکم الناس) ^۴

قرآن کریم، مقام داوری را از مقامات پیامبران برشمرده^۵ که البته از مقامات اجرایی و امامت ایشان است. یکی از مقامات امام، مقام قضاوت و داوری بین مردم است و امام قضات جامعه اسلامی را نصب می‌کند و براساس عدالت بین مردم قضاوت و حکم می‌کند، از این رو لازم است که امام داورترین مردم باشد.



۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۲، و خصال، ج ۲، ص ۵۲۷، بحار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

۲ - عیون، ج ۱، ص ۲۱۹، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸، و معانی الاخبار، ص ۹۸، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۳ - عیون، ج ۱، ص ۲۲۰، و معانی، ص ۱۰۰ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸ و کافی، ج ۱، ص ۲۰۱، و بحار، همان.

۴ - عیون، ص ۲۱۲، معانی، ص ۱۰۲، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

۵ - ص / ۲۶، مانده / ۴۲ و ۴۸، نساء / ۶۵.

۳- با تقواترین مردم (اتقی الناس)^۱

تقوای امام، در بالاترین مرتبه قرار دارد، به طوری که ایشان هیچ گناهی مرتکب نمی‌شود و به درجه عصمت رسیده است، آری امام کاملاً آگاه است و همچون کسی است که خود را در بالای کوهی بر لب پرتگاهی می‌بیند که هر گونه گناه موجب سقوط او می‌شود از این رو کاملاً با تقواست.

۴- صبورترین مردم (احلم الناس)؛^۲ (موسوم بالحلم)^۳

از طرفی پیشوای مسلمانان با مشکلات شخصی و اجتماعی زیادی رو به رو می‌شود، از این رو لازم است شکیباترین مردمان باشد. از طرف دیگر بیشترین خدمات و عبادات را انجام می‌دهد که استقامت زیادی می‌طلبد.

۵- شجاع‌ترین مردم (اشجع الناس)^۴

رهبر مسلمانان در برابر دشمنان اسلام قرار می‌گیرد و گاهی ناچار می‌شود با دشمنان خارجی و داخلی مبارزه کند که این مطلب شجاعت و شهامت می‌طلبد. حتی رهبر باید رزمندگان و مسلمانان را در برابر دشمن تشویق به مبارزه کند. از این رو باید خود شجاع‌ترین مردم باشد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و ... نیز همین شجاعت را در زندگی پر برکت شان به نمایش می‌گذارند.

۱ - عیون، همان، معانی، همان، بحار، همان.

۲ - همان‌ها.

۳ - عیون، ج ۱، ص ۲۱۹، و معانی، ص ۹۸، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۴ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۲، و معانی، ص ۱۰۲، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.



۶- بخشنده‌ترین مردم (اسخی الناس)^۱

رهبر جامعه اسلامی صاحب اختیار خزانه دولت اسلامی است و مردم مسلمان همچون خانواده او هستند که باید به آن‌ها رسیدگی کند. و برخی از اعضای این خانواده تنگ دست و فقیر هستند که نیاز به بخشش بیشتری دارند، از این رو رهبری امت مستلزم روحیه‌ای بخشنده است. اگر رهبری در مسائل اقتصادی سخت گیر و بخیل باشد، مردم به زحمت می‌افتند. سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نیز حاکی از بخشش و گشاده دستی آنان است.

۷- عابدترین مردم (اعبد الناس)^۲

رهبر جامعه اسلامی نیازمند ارتباط با خالق هستی و امداد جویبی و هدایت خواهی از اوست. از این رو رهبر جامعه باید بیشترین ارتباط را با خدا داشته باشد و عابدترین مردمان باشد. مطالعه در زندگی پیامبر اکرم ﷺ، حضرت زهرا علیها السلام، و اهل بیت علیهم السلام نیز همین مطلب را نشان می‌دهد.



۸- از پدر و مادر به مردم مهربان تر (اشفق علیهم من آبائهم

و امهاتهم)^۳

در برخی احادیث از پیامبر ﷺ حکایت شده است که: «من و علی پدران این امت هستیم.»^۴ یعنی پیامبر و امام، پدران معنوی

۱ - همان ها.

۲ - همان ها.

۳ - همان ها.

۴ - عن رسول الله ﷺ: انا و علی ابوا هذه الامه (عیون، ج ۲، ص ۸۵، معانی، ص ۵۲، بحار، ج ۱۶، ص ۹۵).

مسلمانان هستند. این مطلب شامل همه امامان می‌شود.
در احادیث دیگر حکایت شده است که هر انسان دارای سه
پدر است:

پدری که از ناحیه او متولد شده است (پدر جسمانی)؛
پدری که به او آموزش داده است (پدر علمی)؛
پدری که به او همسر داده است (پدر همسر)؛^۱

براساس این حدیث امام نیز پدر علمی مسلمانان است چون
بسیاری از مطالب را به مردم آموزش می‌دهد. امام از پدر و مادر
به انسان مهربان‌تر است چون تا پای جان برای هدایت مردم
فداکاری می‌کند.



۹- فروتن‌ترین مردم نسبت به خدا (یکون اشد الناس تواضعاً لله عزوجل)^۲

«امام فروتن‌ترین مردم نسبت به خدای عزوجل است.» از آنجا
که امام بالاترین معرفت را نسبت به خدای متعال دارد، در برابر او
کاملاً فروتن و خاشع است. در قرآن آمده است که از میان بندگان
خدا فقط دانشمندان از او می‌هراسند^۳ (و در برابر او فروتن و خاشع
می‌شوند.) و در این جاست که سوز و گداز شبانه امام علی علیه السلام
و دعاهای صحیفه سجادیه امام علی بن الحسین علیه السلام معنا دار
می‌شود.

۱ - عن ... الابهاء ثلاثة اب يولدك و اب يعلمك و اب يزوجهك (تفسیر الطیب البیان، ج ۴،
ص ۷۷، و تفسیر آسان، ج ۵، ص ۱۹ و مشابه این در تفسیر مواهب الرحمن، ج ۲، ص
۲۵۷... اب ولدك، رب علمك، رب زوجك).

۲ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۲، و معانی الاخبار، ص ۱۰۲، و
خصال، ج ۲، ص ۵۲۷ و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶.

۳ - انما یخشی الله من عباده العلماء (فاطر / ۲۸).

۱۰- فرمانبردارترین مردم نسبت به دستورات الهی (یکون
 أخذ الناس بما یامر به و اکف الناس عما ینهی عنه)^۱
 « (امام) دستورات الهی را بهتر از همه مردم می‌گیرد (و عمل
 می‌کند) و بهتر از همه مردم از موارد منع شده دوری می‌کند».
 امام از طرفی خدا را مولای مطلق خود می‌داند که حق آفرینش
 و شکر نعمت‌های او مستلزم اطاعت کامل از اوست و از طرف
 دیگر حکمت دستورات الهی را بهتر از دیگران می‌شناسد و
 می‌داند که فرمان پروردگار همواره به سود بشر است، از این رو
 کاملاً مطیع دستورات الهی است.

۱۱- امام نیز انسان است (و الامام یولد و یلد و یصح و
 یمرض و یأکل و یشرب و ... و یموت و یقبر و یزار و ...) ^۲
 « (امام) زاییده شده و فرزندی دارد (جسم او) سالم و بیمار
 می‌شود و می‌خورد و می‌نوشد و ... می‌میرد و دفن می‌شود و
 مورد زیارت قرار می‌گیرد و ...»
 در قرآن آمده است که به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که: « بگو
 من فقط بشری همچون شما هستم.»^۳

بیان این مطلب در مورد پیامبران و امامان، اولاً گویای بعد
 جسمانی و بشری آنهاست که آنها از جنس انسان‌ها هستند نه
 فرشتگان و جنیان، از این رو می‌توانند الگوی ما باشند و ثانیاً
 یادآور بعد جسمانی و وفات آنها، که از انحراف و غلو مردم



۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۲، و معانی همان و خصال، همان،
 و احتجاج، همان.

۲ - عیون، ج ۱، ص ۲۱۳ و خصال، ج ۲، ص ۵۲۸ و بحار، ج ۲۵، ص ۱۱۷.

۳ - قال انما انا بشر مثلکم یوحی الی (کهف / ۱۱۰).

نسبت به پیامبران و امامان جلوگیری می‌کند.

۱۲- امام یگانه روزگار: (الامام واحد دهره لا یدانیه احد و لا یعادلہ عالم و لا یوجد منه بدل و لا له مثل و لا له نظیر)^۱
«(امام) یگانه‌ی روزگار خویش است که هیچ کس با او مقایسه نمی‌شود و هیچ دانشمندی هم تراز او نیست و جایگزینی برایش یافت نمی‌شود و همانند و مشابه ندارد.»

۱۳- امام از ستمکاران نیست: (فقال عزوجل «انی جاعلک للناس اماماً» فقال الخلیل علیه السلام سروراً بها «و من ذریتی» قال الله عزوجل «لاینال عهدی الظالمین» فابطلت هذه الایة امامة کل ظالم الی یوم القیامه و صارت فی الصفوة ثم اکرمه الله بان جعلها فی ذریته اهل الصفوه و الطهاره»)^۲

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

«خدای متعال (در قرآن^۳ خطاب به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «در حقیقت من تو را امام برای مردم قرار دادم» و ابراهیم خلیل خوشحال شد و گفت: از فرزندان و نسل من (نیز امام قرارده)؛ خدای متعال فرمود: عهد و پیمان من (امامت) به ستمکاران) نمی‌رسد.

پس این آیه، امامت هر ستمکاری را تا روز رستاخیز باطل

۱- عیون، ج ۱، ص ۲۱۹، و معانی، ص ۹۸، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸، و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۵، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۲۱۶، و معانی، ص ۹۸، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵، و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۳، و کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳- و اذا ابتلی ابراهیم ربه بلکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماماً قال و من ذریتی قال لاینال عهدی الظالمین (بقره / ۱۲۴).



اعلام کرد، امامت مخصوص افراد برگزیده شد و سپس خدا کرامت کرد و امامت را در نسل افراد برگزیده و پاک قرار داد.

۱۴ - امام آگاه به امور سیاسی: (الامام ... عالم بالسیاسه)^۱

امام، رهبری جامعه اسلامی را به عهده دارد، از این رو باید در مسائل سیاسی دخالت کند، بنابراین لازم است که آگاهی‌های لازم را در این مورد داشته باشد. البته سیاستی که امامان به دنبال آن هستند، سیاست به معنای نیرنگ بازی و سیاسی کاری نیست بلکه سیاست به معنای هدایت و مدیریت جامعه اسلامی در صحنه داخلی و بین‌المللی در راستای رسیدن به اهداف الهی و سعادت است.



۱ - عیون، ج ۱، ص ۲۲۰، و معانی، ص ۱۰۰، و کمال الدین ج ۲، ص ۶۷۸، و کافی، ص ۲۰۱، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

پنجم: امامت خاصه

۱ - با امامت «علی علیه السلام» دین تمام و کامل شد:

ان الله تبارک و تعالی لم یقبض نبیه ﷺ حتی اکمل له الدین و انزل علیه القرآن فیه تفصیل کل شیئی بین فیه الحلال و الحرام و الحدود و الاحکام و جمیع ما یتحتاج الیه کمالاً فقال عزوجل «ما فرطنا فی الكتاب من شیئی» و انزل من حججه الوداع و هی آخر عمره «الیوم اکملت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً».

فامر الامامه من تمام الدین و لم یمض حتی بین لامته معالم دینه و اوضح سبله و ترکهم علی قصه الحق و اقام لهم علیاً ﷺ علماً و اماماً و ما ترک شیئاً یتحتاج الیه الامه الابینه فمن زعم ان الله عزوجل لم یکمل دینه فقد رد کتاب الله عزوجل و من رد کتاب الله فهو کافر...^۱

از امام رضا علیه السلام حکایت شده است که فرمودند:

«در واقع خدای متعال پیامبرش را به جوار خویش نخوانده بود (و هنوز پیامبر ﷺ فوت نکرده بود) تا این که دین او را کامل و قرآن را بر او نازل کرد، که در آن قرآن توضیح هر چیزی بود و مقررات حلال و حرام و قوانین کیفری و جزایی و احکام را بیان کرد و هر چه مردم بدان نیازمند بودند.

پس خدای متعال فرمود: «هیچ چیزی را در کتاب فرو گذار نکردیم.»^۲



۱ - عیون، ج ۱، ص ۲۱۶، و معانی، ص ۹۶، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵، و کافی، ج ۱، ص ۱۹۸، و بحار ج ۲۵، ص ۱۲۰.
۲ - اشاره به آیه ۳۸ سوره انعام است.

و در حجه الوداع (هنگام بازگشت پیامبر ﷺ در آخرین سفر حج در غدیر خم) در آخر عمر پیامبر ﷺ این آیه نازل شد: «امروز دین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.»^۱ و مسأله امامت از مواردی است که دین با آن تمام و (کامل) شد، و هنوز پیامبر ﷺ از دنیا نرفته بود که آموزه‌های دینی را برای امت بیان کرد و راه‌های آن را برای مردم روشن ساخت و آن‌ها را با هدف حق و اگذار کرد و امیرالمؤمنین علیؑ را نشانه و پیشوای آنان قرار داد. و هر چیزی که امت بدان نیاز داشتند بیان کرد. پس هر کس بیندازد که خدای متعال دینش را کامل نکرده، قرآن را انکار کرده است، و هر کس قرآن را رد و انکار کند، کافر گشته است...»



۲ - امامت ائمه علیها السلام به خاطر علم و ایمان و با نصب الهی بود.

(عن الرضا علیهما السلام: فقال الله جل جلاله «ان اولی الناس بابراهيم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا و الله ولی المؤمنین»^۲ فكانت له خاصه فقلدها علیا علیهما السلام بامر الله عزوجل علی رسم ما فرضها الله فصارت فی ذریته الاصفیاء الذین آتاهم العلم و الايمان بقوله عزوجل «و قال الذین اتوا العلم و الايمان لقد لبثتم فی کتاب الله الی یوم البعث»^۳ فهي فی ولد علی علیهما السلام خاصه الی یوم القيامة اذ لا نبی بعد محمد ﷺ فمن این یختار هؤلاء الجهال»^۴)

۱ - اشاره به آیه ۳ سوره مائده است.

۲ - اشاره به آیه ۶۸ سوره آل عمران است.

۳ - اشاره به آیه ۵۶ سوره روم است.

۴ - همان ها.

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «پس خدای متعال فرمود: در حقیقت سزاوارترین مردم نسبت به ابراهیم علیه السلام کسانی هستند که از او پیروی می‌کنند و این پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که ایمان آورده اند؛ و خدا سرپرست مؤمنان است. پس (جانشینی ابراهیم علیه السلام فقط برای پیامبر اسلام «پس خدای متعال فرمود: در حقیقت سزاوارترین مردم نسبت به ابراهیم علیه السلام کسانی هستند که از او پیروی می‌کنند و این پیامبر (اسلام) صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که ایمان آورده‌اند و خدا سرپرست مؤمنان است. پس (جانشینی ابراهیم علیه السلام فقط برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود پس آن را به دستور الهی به عهده علی علیه السلام وا گذاشت، بر اساس آنچه خدا لازم کرده بود و (بعد از علی علیه السلام) در نسل برگزیده او قرار گرفت، (همان) کسانی که به آن‌ها علم و ایمان داد، بر اساس کلام خدای متعال که فرمود: «و کسانی که علم و ایمان به آن‌ها داده شده است، می‌گویند: حتماً شما بر فرمان خدا تا روز قیامت درنگ کردید.» پس آن (امامت) به صورت ویژه در فرزندان علی تا روز قیامت قرار گرفت، چون بعد از محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری نخواهد آمد. (بنابراین امامت تا رستاخیز ادامه خواهد یافت) پس از کجا این جاهلان (رهبر و امام و خلیفه) برمی‌گزینند.»



۳ - امامت فقط در آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم است:

(عن الرضا علیه السلام... و این یوجد مثل هذا ظنوا ان ذلك یوجد فی غیر آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم و الله انفسهم و منتهم الباطل فارتقوا مرتقی صعباً حوضاً تزل عنه الی الحیض اقدامهم راموا اقامة الامامة بعقول حائرة باثرة ناقصة و آراء مضله فلم یزدادوا

منه الا بعداً)¹.

(عن الرضا عليه السلام: الامام.... و هو نسل المطهرة البتول لامغمز فيه في نسب و لا يدانيه ذو حسب...)²

از امام رضا عليه السلام روایت شده است که فرمودند: « از کجا مثل این مطلب یافت شد که پنداشتند آن (امامت) در غیر آل رسول ﷺ یافت می‌شود، به خدا سوگند به خودشان دروغ گفتند و سخن باطل بر دوش آنان سنگینی کرد و به جایگاه سخت و لغزنده‌ای رفتند، که گام هایشان از آنجا به پایین می‌لغزد، مقام امامت را با عقل‌های حیران و ناقص و آرای گمراه‌گر نشانه گرفتند، پس از آن دورتر شدند.»

۴ - امام مهدی علیه السلام خواهد آمد:

(عن الرضا عليه السلام... عن رسول الله ﷺ: ... اذا خرج المهدي من ولدی نزل عیسی بن مریم فصلی خلفه)³

از امام رضا عليه السلام روایت شده است که فرمودند:

«هنگامی که مهدی علیه السلام از فرزندان من قیام می‌کند، عیسی بن مریم عليه السلام فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌خواند (و به او اقتدا می‌کند).»



۱ - عیون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۲۰، معانی، ص ۹۸، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸، و کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲ - عیون، همان، و کمال الدین، همان، و احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۳ - عیون، ج ۲، ص ۲۰۲، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۳۶.

ششم جدایی از امامت و پیامدهای آن

۱ - هر کس از امام جدا شد، به هلاک می‌افتد: (الامام و الدلیل فی المهالک، من فارقه فهالک).^۱

«امام راهنمای (انسان‌ها) در هلاکت گاه‌هاست، هر کس از او جدا شود به هلاکت می‌افتد.»

رهبر جامعه اسلامی مردم را به سوی سعادت رهنمون می‌شود و خطرات را به آنان گوشزد می‌کند و در برابر دشمنان از آنان محافظت و در سختی‌ها و مشکلات آنان را راهنمایی می‌کند. اما اگر کسی خودش را از این نعمت‌ها و امدادها محروم سازد و به کژراهه رود، سرانجام گرفتار گرگ صفتان می‌شود و به هلاکت می‌افتد.

هر کس از امام جدا شود به انحراف عقیدتی یا انحراف اخلاقی و اجتماعی کشیده می‌شود. و سقوط می‌کند.



۲ - جدایی از امام موجب سرگردانی و گمراهی و گرفتاری در دام شیطان می‌شود.

از امام رضا علیه السلام در مورد کسانی که امامت را در غیر آل رسول می‌خواهند می‌فرماید:

(... لقد راموا صعبا و قالوا افکاً و ضلوا ضلالاً بعيداً و وقعوا فی الحیرة اذ ترکوا الامام عن بصیره و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل و کانوا مستبصرین رغبوا عن اختیار الله و اختیار رسوله الی اختیارهم).^۲

۱ - عیون، ج ۱، ص ۲۱۶، و معانی، ص ۹۸، و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷ و غیبه نعمانی، ص ۲۱۸، و کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲ - عیون، ج ۱، ص ۲۲۰، و کافی، ج ۱، ص ۲۰۱، و بحار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

«در واقع راه مشکلی را دنبال می‌کنند و تهمت می‌زنند و به گمراهی منحرف می‌شوند و در سرگردانی می‌غلطند، چون امام را با آگاهی ترک کردند و شیطان کارهایشان را برای آنان آراست و آنان را از راه خدا بازداشت، در حالی که آگاه بودند، از انتخاب راه خدا و پیامبرش روی گرداندند و به انتخاب (هوی و هوس) خودشان میل پیدا کردند.»

۳ - پیامدهای غلو کردن در مورد امامان علیهم‌السلام:

الف: غلو کنندگان ملعون و کافرند:

در احادیث متعددی از امام رضا علیه‌السلام غلو کنندگان (غلات) مورد نکوهش قرار گرفته‌اند و گاهی امام رضا علیه‌السلام آن‌ها را لعن کرده است^۱ و گاهی آن‌ها را کافر خوانده.^۲ و شیعیان را از هم نشینی و ازدواج با آنها منع کرده است.^۳

غلات کسانی بوده‌اند که در مورد مقام امامان علیهم‌السلام زیاده‌گویی می‌کردند و آن‌ها را مافوق بشر می‌دانستند و گاهی می‌گفتند امام حسین علیه‌السلام کشته نشده بلکه به آسمان عروج کرده است. ولی در احادیث آمده است که امام رضا علیه‌السلام با این گونه افکار به شدت برخورد می‌کردند.^۴

ب: مَفْوَضَه مشرک اند:

در برخی احادیث از امام رضا علیه‌السلام بیانگر این است که گروه



۱ - لعن الله الغلاة (عیون، ج ۲، ص ۲۰۲، و بحار، ج ۲۵، ص ۲۷۳).

۲ - فقال الغلاة کفار (همان‌ها).

۳ - عیون، ج ۲، ص ۲۰۳، و بحار، ج ۲۵، ص ۲۷۳.

۴ - همان‌ها.

مفوضه نیز به شدت برخوردار می‌کردند و آنان را مشرک می‌دانستند،
چرا که آنان نیز از حد تجاوز می‌کردند و برخی مقامات همچون
رازقیت و خالقیت را برای ائمه علیهم‌السلام قابل می‌شدند.

(... عن یاسر الخادم قال: قلت للرضا علیه‌السلام ما تقول فی
التفویض، فقال: ان الله تبارک و تعالی فوّض الی نبیه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امر دینه،
فقال: «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»^۲ فاما الخلق
و الرزق فلا، ثم قال: ان الله عزوجل خالق کل شیئی و هو يقول
عزوجل: «الذی خلقکم ثم رزقکم»^۳

از شخصی به نام یاسر خدمتگزار روایت شده است که
می‌گوید: به امام رضا علیه‌السلام گفتم، در مورد تفویض (واگذاری
امور از خدا به برخی افراد) چه می‌فرمایید؟

حضرت فرمود: خدای متعال امور دینی را به پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
واگذار کرد و فرمود «هر چه را پیامبر برای شما آورد بگیرید و هر
چه را ممنوع ساخت دست بردارید.» اما امور آفرینش و رزق را
نه (به کسی واگذار نکرد).

سپس حضرت فرمود: خدای متعال آفریننده هر چیز است و
می‌فرماید «(او) کسی است که شما را آفرید سپس روزی داد...»

۱ - همان‌ها.

۲ - اشاره به آیه ۷ سوره حشر است.

۳ - عیون ج ۲، ص ۲۰۲، و بحار، ج ۱۷، ص ۷، و بحار، ج ۲۵، ص ۳۲۸.

۴ - اشاره به آیه ۴۰ سوره روم است.



جمع بندی و نتیجه:

از مطالب این نوشتار روشن شد که «امامت» یکی از اصولی است که مورد توجه امام رضا علیه السلام بوده است و جایگاهی بلند در احادیث آن حضرت دارد، ایشان صفات و ویژگی‌های امام را به صورت مفصل بیان کرده است، که خلاصه آن چنین است:

امامت اساس اسلام و امام رهبر دینی مردم است.
امام مایه سربلندی مسلمانان و ضامن اجرای قوانین الهی است.
امامت با قانون گذاری و هدایت‌گری جامعه را نظام مند می‌سازد.

امام رهبر سیاسی مردم است که در مواقع ضروری از دین دفاع می‌کند و نقشی دشمن شکن دارد.

امام مایه شفاعت امت در روز رستاخیز و پناهگاه مردم و نماینده خدا و حجت او در زمین است.

مقام امامت همان جایگاه پیامبران الهی بلکه بالاتر از مقام نبوت است.
امام شخصیتی معصوم از گناه و لغزش است که فرشتگان با او سخن می‌گویند و مورد تأیید روح القدس است. دعایش مستجاب و از امور غیبی باخبر است.

و در نهایت امام نور جهان افروز و آب حیات است که هر کس از او جدا شود در گمراهی می‌غلتد.

با توجه به صفات مذکور بشر عادی نمی‌تواند امام معصوم را بشناسد و منصوب کند؛ امامان از طرف خدا انتخاب می‌شوند.

و نخستین امام، حضرت علی علیه السلام بوده و آخرین آنها امام مهدی علیه السلام است.



منابع

۱. الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکس برداری شده است).
۲. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۳۰ هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری).
۳. الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة، شوشتری، قاضی نورالله، انتشارات چاپخانه نهضت، تهران، بی نو، ۱۳۶۷ قمری.
۴. الکافی، تقه الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق، علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.
۵. المناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین محمد بن شهر، مؤسسه انتشارات علامه، قم، بی نو، ۱۳۷۹ قمری.
۶. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، دوم، ۱۴۰۴ قمری.
۷. بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ قمری.
۸. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی (مجلسی دوم) محمدباقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو، ۱۴۰۴ قمری.
۹. کشف الغمه فی معرفة الائمه علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی نو، ۱۳۸۱ قمری.
۱۰. الامالی، شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین



- بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیة (منشورات
 اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲.
۱۱. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین
 بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه
 قم، دوم، ۱۴۰۳ قمری.
۱۲. من لا یحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر،
 محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات
 جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سوم، ۱۴۱۳ قمری.
۱۳. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن
 حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبه الداوری، قم،
 (کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال
 ۱۳۶۸ قمری است).
۱۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن
 علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی جا،
 بی نو، ۱۳۷۸ قمری.
۱۵. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن
 علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب
 الاسلامیه قم، دوم، ۱۳۹۵ قمری.
۱۶. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی
 بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی
 وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری.
۱۷. الفصول المختاره، الشیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان،
 کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۸. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبه



النينوى الحديثة، تهران، بى نو؛ بى تا.

۱۹. الالفين فى امامة اميرالمؤمنين عليه السلام علامه حلى، حسن بن يوسف بن على بن مطهر، انتشارات دارالوالمهجره قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ قمرى (نسخه عكس از چاپ سال ۱۴۰۲ قمرى بيروت است).

۲۰. الانوار فى مولد النبى محمد صلى الله عليه وآله، بكرى، احمد بن عبدالله، انتشارات شريف رضى، قم، اول، ۱۴۱۱ قمرى (كتاب حاضر نسخه عكسى از انتشارات كتابخانه مهديه نجف سال ۱۳۸۵ قمرى است).

۲۱. الاحتجاج، طبرسى، احمد بن على نشر مرتضى، مشهد، ۱۴۰۳ قمرى (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمرى مؤسسه جواد بيروت عكس بردارى شده است).

۲۲. (الاستنفار و الغارات) الغارات، ابواسحاق، ابراهيم بن هلال ثقفى، دار الكتاب، اول، ۱۴۱۰ قمرى.

۲۳. البلد الامين و الدرع الحصين، كفعمى، ابراهيم بن على عاملى، چاپ سنگى، (راجع محل نشر، تاريخ و نوبت مطلبى و اطلاعاتى داده نشده است).

۲۴. مصباح (جنته الامان الواقيه و جنته الايمان الباقيه) كفعمى، ابراهيم بن على عاملى، انتشارات مرضى (زاهدى)، قم، دوم، ۱۴۰۵ قمرى.

۲۵. المقام الاسنى فى تفسير الاسماء الحسنى، كفعمى، ابراهيم بن على عاملى، مؤسسه قائم آل محمد عليه السلام، قم، اول، ۱۴۱۲ قمرى.

۲۶. تفسير الامام العسكرى عليه السلام، منسوب بن امام عسكرى عليه السلام،



- انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری.
۲۷. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب‌الدین ابوالحسن (ابوالحسنین) شعبد، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، دوم، ۱۴۰۵ قمری.
۲۸. الخرائج و الجرائح، راوندی کاشانی، قطب‌الدین ابوالحسن (ابوالحسنین) شعبد، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری.
۲۹. الدعوات (سلوه الحزین)، راوندی کاشانی، قطب‌الدین ابوالحسن (ابوالحسنین) شعبد، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۷ قمری.
۳۰. قصص الانبياء عليهم السلام، راوندی کاشانی، قطب‌الدین ابوالحسن (ابوالحسنین) شعبد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی اول، ۱۴۰۹ قمری.
۳۱. قصص الانبياء و المرسلين عليهم السلام جزائری، سید نعمت الله، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، بی نو، ۱۴۰۴ قمری.
۳۲. الرساله الذهبیه، (طب الرضا عليه السلام)، امام رضا عليه السلام، انتشارات خيام، قم، اول، ۱۴۰۲ قمری.
۳۳. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۳۰ هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری).
۳۴. الصحیفه السجادیه، امام زین العابدین عليه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری.
۳۵. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، نباطی، بیاضی، علی بن یونس، انتشارات کتابخانه حیدریه، نجف اشرف، اول، ۱۳۸۴ قمری.
۳۶. الصوارم المهرقه فی نقد الصواعق المحرقة، شوشتری، قاضی نور الله، انتشارات چاپخانه نهضت، تهران، بی نو، ۱۳۷۶ قمری.
۳۷. العدد القویه لذفع المخادف الیومیه، علامه حلی، علی بن یوسف



- بن مطهر، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، اول ۱۴۰۸ قمری.
۳۸. العمده (عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار)، ابن بطریق حلّی، یحیی بن حسن اسدی حلّی معروف، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، بی نو، ۱۴۰۷ قمری.
۳۹. الفضائل، ابن شاذان قمی، ابوالفضل شاذان بن جبرئیل، انتشارات رضی، قم، دوم، ۱۳۶۳ شمسی.
۴۰. الکافی، ثقه الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق و علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.
۴۱. الزهد، اهوازی، حسین بن سعید، چاپ سید ابوالفضل حسینیان، دوم، ۱۴۰۲ قمری.
۴۲. المؤمن اهوازی، حسین بن سعید، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام قم، اول، ۱۴۰۴ قمری.
۴۳. التحصین فی صفات العارضین، ابن فهد حلّی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد بن فهد اسدی، انتشارات امام مهدی علیه السلام قم، دوم، ۱۴۰۶ قمری.
۴۴. المناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین محمد بن شهر، مؤسسه انتشارات علامه، قم، بی نو، ۱۳۷۹ قمری.
۴۵. النوادر، اشعری، احمد بن محمد بن عیسی، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام قم، اول، ۱۴۰۸ قمری.
۴۶. النوادر، راوندی، سید فضل الله، مؤسسه دار الکتب، قم (کتاب حاضر، نسخه عکسی از چاپ اول نشر حیدریه نجف سال ۱۳۷۰ قمری است).
۴۷. ایمان ابی طالب، موسوی، سید فخار بن معد.



مجموعه کتاب های ره توشه:

آستان دوست

آیین محبت

باران فضیلت

برهان قاطع

پیروز حقیقی

جلوه وصال

حکایت آفتاب

خورشید شب

در دامان مهر

شرح بی نهایت

صحیفه ی صحت

نشانی بهشت